Examination of the Existence of Consideration in letters of Credit and its Effects by a Comparative Study of Iranian and English law

Rasool Bahrampoori

Assistant professor at the Department of Law, faculty of law, University of Science and Culture in Tehran
rasoolbahrampoori@gmail.com

Received: 2025-06-16 **Accepted: 2025-11-16**

Journal of Research and Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research Institute

Vol. 8 | No. 29 | Wnter 2026
(Original Article)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/law.2025.2063634.1664

Abstract

The theory of consideration, in English law (as a country whose law governs many letters of credit worldwide) is a key theory that considers the enforceability of a contract to be dependent on its containing a consideration.Given that a letter of credit is essentially a contract under which the issuing bank is obligated to pay the beneficiary upon receiving documents that comply with the letter of credit, the existence or absence of consideration in letters of credit has been the subject of extensive debate and conflicting opinions and the issue has been raised as to in case there is consideration in a letter of credit, who has undertaken this consideration in return for the bank's commitment to pay the letter of credit amount to the beneficiary in return for

the presentation of matching documents.Some writes believe that a letter of credit is an enforceable contract. However, basically, it does not require a consideration. Others are of the opinion that a letter of credit is a binding contract in which consideration also exists and is provided by the applicant, and some of them also believe in provision of consideration by the beneficiary of the letter of credit.On the contrary, some courts and authors are of the view that in a letter of credit there is no consideration (from either the applicant or the beneficiary) and therefore it cannot be considered as a binding contract, and accordingly, they deny the contractual nature of the letter of credit.In this article, it was examined in an analytical-descriptive manner that although the conditions of valid consideration and also the effects of the existence of consideration in the Iranian and English law are different, in both legal systems, in a letter of credit as a binding contract, there is need to be "consideration" and this consideration is provided by the beneficiary of the letter of credit and it is the "obligation of the beneficiary to present the corresponding documents to the issuing bank" that is considered valid consideration and provides the basis for the binding nature of the letter of credit.

Keywords: consideration, letter of credit, principle of independence of letters of credit, uniform regulations for letters of credit, beneficiary, applicant.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

بررسی وجود عوض در اعتبارات اسنادی و آثار آن بامطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان

رسول بهرامپوری
استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ تهران، تهران، ایران
rasoolbahrampoori@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران
دوره ۸| شماره ۲۹| زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)
www.jcl.illrc.ac.ir
DOI:
10.22034/law.2025.2063634.1664

چکیده

نظریه عوض در حقوق کشور انگلستان (به‌عنوان کشوری که قانون آن بر بسیاری از اعتبارات اسنادی در سطح جهان حاکم است) از نظریات کلیدی است که لازم‌الاجرا شدن قرارداد را منوط به وجود عوض در آن می‌داند. باتوجه‌به اینکه اعتبار اسنادی ماهیتاً قراردادی است که به‌موجب آن، بانک صادرکننده مکلف به پرداخت وجه اعتبار اسنادی به ذی‌نفع در قبال دریافت اسناد منطبق بااعتبار اسنادی است، وجود یا عدم وجود عوض در اعتبارات اسنادی محل بحث و تضارب آرای زیادی قرار گرفته و دیدگاه‌های متعددی در این زمینه مطرح شده و این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است که چنانچه در اعتبار اسنادی، عوض وجود داشته باشد، این عوض از جانب چه شخصی (ذی‌نفع یا متقاضی) در قبال تعهد بانک به پرداخت وجه اعتبار اسنادی به ذی‌نفع در قبال ارائه اسناد منطبق، بر عهده گرفته می‌شود.

برخی نویسندگان بر این عقیده هستند که اعتبار اسنادی قراردادی الزام‌آور است؛ لکن اساساً در آن وجود عوض ضرورت ندارد، برخی معتقدند اعتبار اسنادی، قراردادی الزام‌آور است که عوض نیز در آن وجود دارد و آن را متقاضی ارائه می‌دهد و برخی نیز نظر بر ارائه عوض توسط ذی‌نفع اعتبار اسنادی دارند. در مقابل، عده‌ای از محاکم و نویسندگان این رویکرد را مطرح می‌کنند که در اعتبار اسنادی، عوض (از جانب متقاضی یا ذی‌نفع) وجود ندارد و لذا نمی‌تواند به‌عنوان یک قرارداد الزام‌آور تلقی شود و براین‌اساس ماهیت قراردادی اعتبار اسنادی را انکار می‌کنند. در این مقاله به شیوه تحلیلی - توصیفی بررسی شد که اگرچه شرایط عوض معتبر و همچنین آثار وجود عوض در حقوق ایران و انگلستان متفاوت است؛ لکن در هر دو نظام حقوقی در اعتبار اسنادی به‌عنوان یک قرارداد الزام‌آور، «عوض» وجود داشته و این عوض را ذی‌نفع اعتبار اسنادی ارائه کرده و «تعهد ذی‌نفع به ارائه اسناد منطبق به بانک صادرکننده» است که عوضی معتبر محسوب شده و مبنای لزوم اعتبار اسنادی است.

کلیدواژه‌ها: عوض، اعتبار اسنادی، اصل استقلال اعتبار اسنادی، مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، ذی‌نفع، متقاضی.

مقدمه

نظریه عوض[1] در حقوق انگلستان مطرح شده و در این نظام حقوقی رشد و نمو یافت (Valente, 2010 : p.7). نظریه عوض باتوجه‌به زادگاهش در نظام حقوقی کامن‌لا، همانند سایر مفاهیم مطرح شده در این نظام حقوقی، ریشه در رویه قضایی دارد. بر اساس این نظریه، قرارداد بدون وجود عوض، لازم‌الاجرا نمی‌گردد (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۹). با عنایت به تحلیل ماهیت اعتبار اسنادی به‌عنوان قرارداد[2]، موضوع وجود یا عدم وجود عوض در این ابزار پرداخت از جمله مباحثی است که موافقان و مخالفان بسیاری داشته و محل بحث و تحلیل بوده است. برخی بر این اعتقادند که اساساً در اعتبارات اسنادی هیچ عوض معتبری وجود ندارد و آن را به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل قراردادی نبودن ماهیت اعتبار اسنادی تلقی می‌کنند (Chmielewska, 2005 : p.516) و برخی معتقدند که در اعتبار اسنادی، عوض وجود داشته و این عوض معتبر است و وجود همین عوض را به‌عنوان یکی از دلایل قراردادی بودن ماهیت اعتبارات اسنادی مورد استناد قرار می‌دهند (Chatterjee, 2015 : p.58).

مفهوم عوض در ادبیات حقوقی ایران، برخی اوقات مترادف با مفاهیم جهت و سبب و در برخی مواقع به‌عنوان نهادی متفاوت از آن‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرد. عوض در حقوق قراردادهای ایران (به پیروی از سابقه سنتی احکام معاملات در فقه امامیه) جایگاه ویژه‌ای داشته و احکام متعددی به آن اختصاص‌داده‌شده است. وجود یا عدم وجود عوض در قرارداد، در نظام حقوقی ایران نیز دارای آثاری همانند جریان حق حبس برای طرفین یا یکی از آن‌ها، خیاراتی همچون خیار غبن، وجود ضمان معاوضی، تقابل عوضین و... است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۴۶) که در اعتبارات اسنادی نیز برخی از این آثار (مانند تقابل عوضین) جریان دارد و ازاین‌حیث، بررسی و تحلیل وجود عوض در اعتبارات اسنادی از منظر حقوق ایران ضروری است. ازسوی‌دیگر، علاوه بر شمول مقررات متحدالشکل

1- Theory of Consideration.

۲ – جهت مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت قراردادی اعتبارات اسنادی: ر.ک: مافی، همایون و همکاران (۱۴۰۱). تحلیل حقوقی ماهیت اعتبارات اسنادی. *دانشنامه حقوقی اقتصادی*، ۲۹ (۲۱): ۷۵-۱۰۵.

اعتبارات اسنادی[1]، تعیین قانون ملی حاکم بر اعتبارات اسنادی بین‌المللی نیز موضوعیت دارد و در مواردی که طرفین مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی را به‌صورت کلی یا جزئی بر اعتبار اسنادی حاکم نمی‌کنند یا این مقررات بانظم عمومی کشور یکی از اشخاص دخیل در فرایند اعتبار اسنادی در تعارض است، تعیین قانون ملی حاکم بر اعتبار اسنادی و روابط موجود در آن ضرورت دارد (جنیدی و بهرام‌پوری، ۱۴۰۰: ۲۲۰) و در موارد متعددی، قانون کشوری غیر از ایران (حتی در اعتبارهای اسنادی صادره توسط بانک‌های ایرانی یا مواردی که ذی‌نفع ایرانی است) بر اعتبار اسنادی حاکم است (مافی و عطائی، ۱۴۰۳: ۱۵۵). قانون کشور انگلستان به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در عرصه اعتبارات اسنادی و مسائل پیرامونی آن، در بسیاری از موارد به‌عنوان قانون حاکم بر اعتبارات اسنادی صادر شده توسط بانک‌های معتبر جهانی تعیین می‌شود و ازاین‌جهت نظام حقوقی انگلستان در این مقاله به‌صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. این شیوه مطالعه تطبیقی، از یک سو تفاسیر و راه‌حل‌های مختلف برای درک و شناخت مفاهیم مرتبط را نشان می‌دهد و ازسوی‌دیگر برتری‌ها و کاستی‌های نظام حقوقی ایران را برای بهبود و اصلاح آن مشخص می‌کند (جنیدی و راضی، ۱۴۰۳: ۶۶).

همچنین لازم به ذکر است که در کشور ایران، همانند سایر موضوعات مرتبط با اعتبارات اسنادی، رویه قضایی قابل‌توجهی در خصوص «عوض در اعتبارات اسنادی» وجود ندارد. صرفاً در آرای برخی محاکم به این موضوع اشاره شده است که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ براین‌اساس تحلیل و بررسی تطبیقی موضوع در نظام حقوقی ایران و انگلستان در وهله نخست مبتنی بر متن قوانین و مقررات و تحلیل نویسندگان حقوقی و سپس مبتنی و متکی بر آرایی است که در این زمینه از سوی محاکم صادر شده است.

در این مقاله این سؤال بررسی و دنبال می‌شود که آیا در اعتبار اسنادی عوض وجود دارد یا خیر؟ و چنانچه عوض وجود دارد، این عوض توسط چه شخصی ارائه شده و آیا شرایط یک عوض معتبر را دارد؟ ابتدا جهت بررسی جایگاه «نظریه عوض»، به‌صورت مختصر برخی تعاریف ارائه شده از دیدگاه نویسندگان و آرای قضایی ذکر شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه، شرایط عوض معتبر مطابق با رویکردهای مطرح شده در حقوق انگلستان

1- Uniform Customs and Practice for Documentary Credits (UCP 600).

بررسی شده و سپس دیدگاه‌های متعدد و متفاوت در خصوص وجود یا عدم وجود عوض در اعتبارات اسنادی بین‌المللی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱.مفهوم نظریه عوض و جایگاه آن در اعتبارات اسنادی

در خصوص ریشه نظریه عوض و خاستگاه آن، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که مشهورترین دیدگاه آن است که نظریه عوض ریشه در نظریه‌ای موسوم به «Assumpsit» دارد. بر اساس این دیدگاه، قضات انگلیسی در سده ۱۶ میلادی، تلاش کردند تعهدات متقابل را در دعاوی «Assumpsit» به رسمیت بشناسند و در راستای همین تلاش، نظریه عوض ظهور یافته و در حقوق کنونی با چنین گستره و ابعادی مطرح شده است. «Assumpsit» نوعی دعوا در نظام حقوقی انگلستان است و در هر مورد که وجهی پرداخته شده و انصاف اقتضای استرداد آن را نماید، این دعوا قابل طرح است. برای اقامه این دعوا و طرح خواسته مبنی بر پرداخت وجه از سوی خوانده دعوا (متعهد) لازم نیست که تعهدی به صورت صریح موجود باشد، بلکه چنانچه مبلغی پرداخت شده یا مالی تسلیم شده یا کاری انجام شده باشد و از اوضاع و احوال و به صورت ضمنی یا از طریق استنباط از قواعد حقوقی این‌چنین برآید که طرف مقابل باید آن را جبران نماید، دعوای فوق‌الذکر قابل طرح است. بدین ترتیب، نظریه عوض در این زمینه مطرح شده و قضات با استناد به آن، در چنین مواردی اقدام به صدور حکم می‌نمودند (Giancaspro, 2014 : p.20).

ریچارد استون معتقد است عوض هرگونه تعهدی است که یکی از طرفین (متعهد)، به‌طرف مقابل (متعهدله) می‌دهد و هنگامی‌که تعهدی بدین صورت دارای تعهد متقابل است، الزام‌آور بوده و متعهدله می‌تواند الزام متعهد را درخواست نماید (Stone & Devenney, 2017 : p.90). چارلز فرید در تعریف خود از عوض بیان می‌دارد که عوض، تعهد به فعل یا ترک فعلی است که به‌صورت متقابل از سوی هریک از طرفین قرارداد بر عهده گرفته می‌شود (Fried, 2015 : p.28). در قراردادهای معوض، هر یک از طرفین چیزی داده و چیزی می‌گیرد و این مفهوم مبادله بوده و عوض در آن نمایان است. به‌عنوان‌مثال در عقد بیع، عوض تعهد مشتری به پرداخت، تعهد بایع به تسلیم مبیع است.

در دعوای *Currie v Misa* (1875) LR 10 Ex 153 تعریفی از عوض ارائه شده است که از بُعد دیگری به این مفهوم حقوقی نگریسته است. در رأی دعوای مذکور بیان شده است که

عوض معتبر از دیدگاه حقوقی ممکن است حق، منفعت یا فایده‌ای باشد که به یکی از طرفین می‌رسد یا محدودیت، ضرر یا مسئولیتی باشد که طرف دیگر آن را متحمل می‌شود (Russell, 2012 : p.17).

در رویه قضایی کشور ایران موضوع عوض به‌صورت کلی موردتوجه برخی محاکم قرار داشته و ضرورت وجود آن به‌عنوان رکنی مؤثر در تشکیل قرارداد، در آرای متعددی قابل‌مشاهده است. به‌عنوان‌مثال در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۲۰۱۵۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۶ صادره از شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، تصریح شده است که تعیینِ عوض از شرایط اساسی صحت قراردادهای معوض است بنابراین عدم تعیین آن در قرارداد موجب بطلان قرارداد است[۱] و دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۲۲۱۸۲۰۰۰۸۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۶ صادره از شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز بر همین مفهوم دلالت دارد[۲] و دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۸۰۰۱۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۱۴ صادره از شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، به اصل همبستگی عوضین در عقود معوض اشاره داشته و تقابل عوضین را مورد تصریح قرار داده است[۳]. تقابل تعهد بانک صادرکننده به پرداخت وجه اعتبار اسنادی با تعهد ذی‌نفع به ارائه اسناد منطبق، در برخی آرای محاکم مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال در دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۶۴۰۱۰۸۵ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۰۷ صادره از شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران تصریح شده است که تعهد بانک صادرکننده اعتبار اسنادی به پرداخت وجه آن به ذی‌نفع، در مقابل تعهد ذی‌نفع به ارائه اسناد منطبق با اعتبار اسنادی قرار دارد[٤] و دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۱۸۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۸ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز بر متقابل بودن تعهدات بانک صادرکننده وی ذی‌نفع تاکید

۱- پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه ملی آرای قضایی؛ قابل‌دسترسی در لینک:
https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/5266

۲- پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه ملی آرای قضایی؛ قابل‌دسترسی در لینک:
https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/35362

۳- پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه ملی آرای قضایی؛ قابل‌دسترسی در لینک:
https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/6672

۴- پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه ملی آرای قضایی؛ قابل‌دسترسی در لینک:
https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/31306

کرده است[1]. بدون تردید، در صورت تخصصی شدن رسیدگی به دعاوی تجاری و بازرگانی و استفاده از قضات متخصص در این عرصه که با ساختار و ظرافت‌های تجاری آشنا باشند، رویه قضایی مرتبط با دعاوی تجاری نیز تقویت خواهد شد (محسنی و اللهی، ۱۴۰۳: ۱۲۵).

از جمع‌بندی نظرات مطرح شده می‌توان قائل شد در مفهوم عوض، نوعی تبادل و تقابل میان حق و تکلیف طرفین مطرح است که امری واحد، از منظر متعهد تکلیف و از منظر متعهدله حق است. به‌عنوان‌مثال، پرداخت ثمن توسط خریدار عوضی است برای تعهد فروشنده به تسلیم مبیع. باتوجه‌به مفهوم عوض، می‌توان مصادیقی را به‌عنوان عوض در اعتبارات اسنادی بررسی نمود؛ از جمله آنکه تعهد متقاضی در مقابل بانک صادرکننده مبنی بر بازپرداخت وجه اعتبار اسنادی، به‌عنوان عوض ارائه شده از جانب متقاضی، قابل‌بررسی است یا آنکه تعهد ذی‌نفع به انجام تعهدات ناشی از قرارداد پایه و تحصیل اسناد حمل و ارائه آن به بانک، عوضی است که ذی‌نفع ارائه می‌دهد (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۳-۱۰۰) که تلقی هریک از این موارد به عنوان عوض، موافقان و مخالفانی دارد که در بند ۳ این مقاله به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لکن پیش از بررسی تفصیلی این موارد، لازم است شرایط عوض معتبر در اعتبارات اسنادی به صورت دقیق مشخص گردد تا پس از آن، هر یک از مصادیقی که در اعتبار اسنادی می‌توان به عنوان عوض مطرح نمود، با معیارهای مربوطه سنجیده شده و مطابق با آن نتیجه‌گیری شود.

۲. شرایط عوض معتبر در اعتبار اسنادی

عوض در اعتبار اسنادی برای‌آنکه معتبر تلقی شده و بتواند به‌عنوان عنصر لازم‌الاجرا ساختن آن تلقی شود، لازم است دارای ویژگی‌هایی باشد که با بیان نظرات نویسندگان و آرای قضایی، هر یک از این شرایط به‌صورت مختصر بررسی می‌گردد.

۲-۱. واقعی بودن عوض در اعتبار اسنادی

عوض در اعتبار اسنادی باید ممکن، الزام‌آور و دارای جهت خاصی باشد تا به‌عنوان یک عوض واقعی مطرح گردد. برای عوض غیرواقعی برخی مصادیق بیان شده است. نخستین

---

۱ - پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه ملی آرای قضایی؛ قابل‌دسترسی در لینک:
https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/31306

مورد از عوض غیرواقعی «عوض غیرممکن» است. درصورتی‌که یکی از طرفین اعتبار اسنادی تعهد به انجام امری غیرممکن نماید، این مورد مصداق عوض غیرممکن بوده و عوضی نامعتبر است. دومین مصداق از عوض غیرواقعی در اعتبار اسنادی موردی است که متعهد نسبت به انجام یا عدم انجام آن مختار باشد که این مورد نیز به‌عنوان عوضی معتبر تلقی نمی‌گردد (McKendrick, 2015 : p.92). در حقوق ایران نیز درصورتی‌که یکی از طرفین قرارداد در اجرای تعهدات خود آزاد بوده و در واقع، به‌دلخواه خود مکلف به انجام قرارداد باشد و همچنین در صورت غیرممکن‌بودن انجام تعهد یکی از طرفین قرارداد، آن قرارداد باطل است (شهیدی، ۱۳۹۸: ۲۸۸).

در نظام حقوقی کامن‌لا برای اینکه عوضی معتبر تلقی شود، لازم نیست میان عوضین تعادل قیمتی واقعی برقرار باشد و درصورتی‌که حتی یکی از عوضین به‌صورت قابل‌توجهی نسبت به‌عوض دیگر، دارای ارزش واقعی کمتری باشد این عوض نیز معتبر محسوب می‌گردد (Dawson, 2011 : p.146). رویه قضایی انگلستان در آرای متعددی بر عدم تأثیر تعادل قیمتی عوضین تأکید داشته و بیان داشته است که اگر کالای با ارزشی بدون تقلب یا اجبار، به مبلغی کمتر از قیمت واقعی آن مورد معامله قرار گیرد، قرارداد مزبور از حیث عوض با ایرادی مواجه نبوده و صحیح و لازم‌الاجراست. یکی از معروف‌ترین آرای موجود در این زمینه، رأی دعوای *Thomas v Thomas* (*1842*) *2 QB 851* است که در آن تصریح شده است تعادل اقتصادی میان عوضین، شرط اعتبار عوض نبوده و ازاین‌رو مبلغ یک پوند برای اجاره سالانه یک‌خانه را عوضی معتبر تلقی نمود (Turner, 2013 : p.46). در حقوق ایران نیز تناسب ارزش میان عوضین ضروری نبوده و در صورت عدم تعادل و تناسب میان قیمت عوضین، قرارداد باطل نبوده و صرفاً در صورت وجود شرایط خیار غبن (همانند فاحش بودن غبن یا عدم آگاهی مغبون در هنگام معامله)، برای شخص مغبون حق فسخ قرارداد پدید می‌آید. براین‌اساس، نخستین شرط برای معتبر تلقی‌شدن عوض در اعتبارات اسنادی، واقعی بودن آن به شرحی است که بیان شد.

۲-۲. مشروع بودن عوض در اعتبار اسنادی

کلیه نظام‌های حقوقی جهت حفظ نظم اجتماعی، بر مشروعیت عوضین معاملات تأکید داشته و بر اعمال و تعهدات نامشروع، اثر حقوقی بار نمی‌کنند. در حقوق کامن‌لا نیز

قراردادی که عوض آن نامشروع باشد، همانند قراردادی است که اساساً دارای عوض نیست؛ در واقع عوض نامشروع عوضی غیرمعتبر بوده و قرارداد را لازم‌الاجرا نمی‌کند (Story, 2006 : p.589). در حقوق ایران نیز یکی از شرایط صحت قرارداد، مشروع بودن عوض (در مواردی که عوض وجود دارد) است و درصورتی‌که تعهد یکی از طرفین قرارداد موضوعاً نامشروع باشد، این قرارداد باطل است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۱۲) و براین‌اساس، از حیث لزوم مشروع بودن عوض در اعتبار اسنادی، نظام حقوقی ایران و انگلستان دارای مشابهت است و تعهد بر امری نامشروع و خلاف قواعد آمره (چه از جانب متقاضی و چه از جانب ذی‌نفع) را نمی‌توان عوض مشروع و معتبر تلقی نمود.

۳-۲. از جانب متعهدله بودن عوض در اعتبار اسنادی

مهم‌ترین شرطی که در خصوص عوض در بحث اعتبارات اسنادی مطرح است، لزوم ارائه عوض از سوی متعهدله است. در نظام حقوقی کامن‌لا اعتقاد اغلب حقوق‌دانان برآن‌است که متعهدله، تنها در صورتی می‌تواند الزام متعهد به اجرای تعهد را بخواهد که خودش عوض را ارائه نموده باشد (Russell, 2012 : p.18). در بحث وجود عوض در اعتبارات اسنادی این موضوع ازاین‌حیث دارای اهمیت است که متعهدله اعتبار اسنادی، ذی‌نفع آن اعتبار بوده و در قبال ارائه اسناد به بانک وجه اعتبار را دریافت می‌کند و برخی از قائلین به وجود عوض در اعتبار اسنادی بر این اعتقاد هستند که عوض ارائه شده از سوی ذی‌نفع همان پذیرش تعهد ارائه اسناد است و برخی معتقدند که عوض نه از سوی ذی‌نفع بلکه از سوی متقاضی ارائه شده و متقاضی با تعهد بازپرداخت وجه اعتبار به بانک گشاینده، در مقابل بانک متعهد شده و این عوض اعتبار اسنادی است.

هر یک از دو دیدگاه فوق‌الذکر در مبحث موافقان وجود عوض در اعتبارات اسنادی مورد بررسی و تدقیق قرار خواهد گرفت و صرفاً در این بند، اصل این موضوع که آیا برای معتبر بودن عوض، باید آن عوض توسط خود متعهدله ارائه شود یا شخص دیگری غیر از متعهدله نیز می‌تواند آن عوض را پرداخت کند، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در بندهای آتی در مبحث دلیل موافقان وجود عوض در اعتبارات اسنادی مبنی بر ارائه عوض توسط متقاضی (نه ذی‌نفع که متعهدله اعتبار اسنادی است) از نتایج حاصل از این بحث استفاده شود.

در نظام حقوقی کامن‌لا دیدگاه غالب بر آن‌است که هرگاه یکی از طرفین قرارداد، عوض را ارائه نداده باشد، بلکه عوض از سوی شخص دیگری فراهم شده باشد، این شخص حق مطالبه تعهد طرف مقابل را ندارد (Chandler, 2015: p.32). در دعوای *Dunlop Pneumatic Tyre Co Ltd v Selfridge Ltd [1915] AC 847* مجلس اعیان انگلستان استدلال کرد که یکی از اصول اساسی حقوق انگلستان آن است که صرفاً طرفین قراردادی که عوض را فراهم آورده‌اند، می‌توانند جهت الزام طرف مقابل به ایفای تعهد، اقامه دعوا کنند (Hallebeek & Dondorp, 2008: p.115). البته در خصوص وجود این شرط که شرطی اساسی در مبحث موضوع این مقاله است، در حقوق انگلستان اختلاف دیدگاه وجود دارد و برخی با ارائه نظری خلاف آنچه بیان شد، بر این اعتقاد هستند که لزومی به اینکه تعهد متقابل قراردادی از جانب متعهدله ارائه شود، وجود ندارد (Beale & Bishop, 2007: p.111). در حقوق ایران نیز لزومی ندارد که عوض از همان دارایی خارج شود که معوض به آن داخل شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۱۴) و باتوجه‌به عدم منع ارائه عوض از سوی شخصی خارج از قرارداد، درصورتی‌که شخصی غیر از طرفین قرارداد، از سوی یکی از طرفین عوض را پرداخت نماید، به صحت و الزام‌آوری قرارداد خدشه‌ای وارد نمی‌گردد.

۴-۲. مربوط به گذشته نبودن عوض در اعتبار اسنادی

این شرط نیز که در بررسی وجود عوض در اعتبار اسنادی شرطی اساسی و مهم است، بدین معنی است که نفع و زیانی که مربوط به زمان گذشته است، نمی‌تواند به‌عنوان عوض تعهد فعلی قرار گیرد. در عوض گذشته[1] این مفهوم مطرح می‌شود که عوض باید در هنگام قرارداد یا در زمان آینده قابل‌انجام باشد و کاری که درگذشته انجام شده یا تعهدی که درگذشته بر عهده گرفته شده است، نمی‌تواند به‌عنوان یک عوض معتبر تلقی شود (Wishart, 2018: p.108). دعوای *Re McArdle (1951)* یکی از دعاوی معروف راجع به غیرمعتبر بودن عوض گذشته است[2]. در حقوق ایران باتوجه‌به اینکه منعی در خصوص

1 - Past Consideration.

۲ – در این دعوا زنی به همراه سه فرزند بالغش در منزلی زندگی می‌کردند و همسر یکی از این فرزندان، اقدام به تعمیرات منزل نمود و پس از آن، سایر فرزندان تعهد نمودند که هزینه تعمیرات انجام شده را به آن شخص بپردازند. پس از وقوع اختلاف در پرداخت این مبلغ، دادگاه استدلال نمود که این تعهد فرزندان مبنی بر پرداخت هزینه به شخصی که اقدام به تعمیر منزل کرده است، لازم‌الاجرا

عوض قراردادن امری که درگذشته انجام شده است، وجود ندارد، می‌توان قائل شد که عوض گذشته نیز معتبر است و نفع یا زیان فعلی که در گذشته انجام شده است، ممکن است به‌عنوان عوض تعهدی دیگر قرار گیرد. در بحث وجود عوض در اعتبارات اسنادی، یکی از ایراداتی که به نظریه « ارائه عوض توسط ذی‌نفع» وارد می‌شود، آن است که چنانچه تعهد ذی‌نفع به ایفای تعهدات مذکور در قرارداد پایه و تحصیل اسناد حمل و ارائه آن به بانک، عوض اعتبار اسنادی تلقی شود، این «عوض مربوط به گذشته» است، زیرا تعهدی است که ذی‌نفع در قبال متقاضی در قرارداد پایه برعهده گرفته و عوض آن قرارداد تلقی می‌شود و نمی‌توان همین تعهد را که در زمان انعقاد قرارداد پایه ایجاد شده است، به‌عنوان عوض اعتبار اسنادی نیز تلقی نمود که شرح و تحلیل این دیدگاه و پاسخ به آن در بند ۳-۳ این مقاله به‌تفصیل بیان خواهد شد.

۳. دیدگاه موافقان ماهیت قراردادی اعتبارات اسنادی در خصوص عوض در اعتبار اسنادی

موافقان نظریه قرارداد بودن اعتبار اسنادی، جهت توجیه آنکه این ابزار پرداخت، نوعی قرارداد است و برای گریز از ایراد مخالفان قراردادی بودن ماهیت اعتبار اسنادی مبنی بر نبود عوض در این ابزار پرداخت، نظرات متفاوتی را ارائه داده‌اند و تلاش کرده‌اند تا از خدشة وارده از مفهوم عوض به دیدگاه قراردادی بودن ماهیت اعتبار اسنادی جلوگیری کرده و مبتنی بر استدلال‌های گوناگون، به دیدگاه قراردادی نبودن ماهیت اعتبار اسنادی به دلیل عدم وجود عوض پاسخ گفته‌اند.

در این بند، در ابتدا نظری بررسی می‌شود که اساساً وجود عوض در قراردادها به‌خصوص قراردادهای تجاری (از جمله اعتبارات اسنادی) را لازم نمی‌داند و بدین ترتیب بر اساس این نظر، موضوع وجود یا عدم وجود عوض در بحث قرارداد بودن ماهیت اعتبارات اسنادی موضوعیت ندارد و ادعای عدم وجود عوض، مانعی برای تحلیل اعتبار اسنادی به‌عنوان قرارداد، محسوب نمی‌شود. سپس نظری بررسی می‌گردد که قائلین آن بر این اعتقادند که

نیست؛ زیرا کار تعمیرات، پیش از تعهد فرزندان به پرداخت مبلغ آن انجام شده است و بدین ترتیب، یک عوض مربوط به گذشته بوده و الزام‌آور نمی‌باشد. ر.ک:

Kuhnel-Fitchen, Kathrin, and Hough, Tracey, (2014), *Optimize Contract Law*, Routledge, p 35.

در اعتبارات اسنادی عوض وجود داشته و این عوض را نه شخص ذی‌نفع (فروشنده)، بلکه شخص متقاضی (خریدار) ارائه کرده است و در ادامه دیدگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرد که بر اساس آن اعتبار اسنادی دارای عوض بوده و این عوض را خود ذی‌نفع ارائه می‌نماید.

۱-۳. لازم نبودن عوض در اعتبار اسنادی

اولین رویکرد در نظام حقوقی انگلستان در خصوص لازم نبودن وجود عوض در قراردادها در سال ۱۷۶۵ توسط لرد مانسفیلد[1] در پرونده *Pillans & Rose v Van Mierop & Hopkins* مطرح شد. لرد مانسفیلد یکی از مخالفان شدید نظریه عوض در مراحل ابتدایی توسعه این نظریه بود و پس از آن تعدادی نظرات مرتبط مطرح شده و برخی حقوق‌دانان و قضات لزوم وجود عوض را به عنوان یک مانع غیر ضروری برای لازم‌الاجرا شدن قراردادهایی می‌دانند که به دلیل توافق اراده طرفین، از سایر جهات معتبر و کامل هستند (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۰) و در راستای همین نظرات بود که کلوروس به طور کلی پیشنهاد لغو و حذف نظریه عوض را مطرح ساخت و بر این اعتقاد بود که وجود عوض برای لازم‌الاجرا شدن قراردادها لزومی ندارد. این نویسنده بیان می‌دارد:

«حقوق انگلستان با حذف نظریه عوض، چیزی را از دست نمی‌دهد. اگرچه در گذشته این نظریه کارکردی مفید و مؤثر در توانا ساختن حقوق انگلستان در گذر از مرحله نوشتارهای قراردادی به یک حقوق قراردادی جامع و مبسوط داشته است، لکن این ضرورت امروزه وجود نداشته و وجود این نظریه، موجب ایجاد مشکل می‌شود. اثر مخرب این نظریه به‌خصوص در جایی مشاهده می‌شود که با استفاده از این نظریه، توافق اراده طرفین قرارداد که به‌صورت مشروع حاصل شده است (به سبب فقدان عوض) لازم‌الاجرا نمی‌شود. در حقیقت، در اکثریت قاطع پرونده‌هایی که در آن‌ها دادگاه با موضوع عوض مواجه شده است، تمام تلاش دادگاه بر آن بوده است که از آثار مخرب این نظریه اجتناب کند. نظام‌های حقوق نوشته، به‌خوبی حقوق قراردادهای خود را بدون نظریه عوض، توسعه و گسترش مطلوب داده‌اند» (Chloros, 1968 : p.164).

با عنایت به مطالب فوق‌الذکر، طبق این رویکرد اساساً وجود عوض در هیچ قراردادی ضرورت ندارد و در اعتبارات اسنادی (به‌عنوان یک قرارداد) نیز همین موضوع جاری است

1 - *Lord Mansfield.*

و بدین ترتیب موضوع وجود یا نبود عوض یا معتبر بودن یا نبودن عوض‌های احتمالی در اعتبار اسنادی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و بر این اعتقاد است که فقدان یا معتبر نبودن عوض در تحلیل ماهیت حقوقی اعتبار اسنادی به‌عنوان یک قرارداد، فاقد جایگاه است. ماده ۵-۱۰۵ قانون تجارت متحدالشکل آمریکا[1] نیز در خصوص اعتبارات اسنادی از همین رویکرد تبعیت کرده است که بیان می‌دارد: «برای صدور، اصلاح، انتقال یا لغو اعتبار اسنادی و همچنین برای تأیید یا انتقال آن وجود عوض ضرورت ندارد»[2]. رویکرد فوق‌الذکر مبنی بر عدم لزوم عوض برای لازم‌الاجرا شدن قرارداد با این توجیه که «نظریه عوض» پیچیده و مشکل آفرین است و حاکمیت اراده اشخاص در انعقاد قراردادها را مورد خدشه قرار می‌دهد، رویکردی کم طرفدار در نظام حقوقی انگلستان بوده و امروزه کماکان نویسندگان حقوقی و محاکم انگلستان بر استفاده از «نظریه عوض» استوار بوده و بخش قابل توجهی از آثار حقوقی و آرای محاکم به موضوع عوض اختصاص یافته است. بر اساس مطالب مطروحه می‌توان قائل شد که اگرچه دیدگاه نویسندگان و قضاتی که نظر بر اصلاح یا حذف نظریه عوض از نظام حقوقی کامن‌لا دارند، مستظهر به استدلال‌های نسبتاً صحیحی بوده و با توجه به واقعیت‌های عملی موجود بیان شده است، لکن این نظرات با اقبال مواجه نشده و کماکان اکثریت قریب به اتفاق قضات و نویسندگان، وجود عوض را جهت لازم‌الاجرا شدن قرارداد لازم می‌دانند و به بررسی شرایط و آثار آن می‌پردازند (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۱ و ۱۰۰).

۲-۳. ارائه عوض در اعتبار اسنادی توسط متقاضی

مطابق این دیدگاه، در اعتبارات اسنادی عوض وجود داشته؛ لکن این عوض را ذی‌نفع (به‌عنوان متعهدله اعتبار اسنادی) ارائه نمی‌دهد، بلکه متقاضی که ماهیتاً شخص ثالث است اقدام به ارائه این عوض به بانک صادرکننده می‌نماید و این عوض «تعهد متقاضی به بازپرداخت وجه اعتبار اسنادی به بانک صادرکننده» است.

در بررسی و ارزیابی این دیدگاه، همان‌گونه که در بند فوق بیان شد یکی از شرایط معتبر تلقی‌شدن عوض در قراردادها، در نظام حقوقی کامن‌لا آن است که این عوض از جانب

1- Uniform Commercial Code (UCC).

2- Consideration is not required to issue, amend, transfer, or cancel a letter of credit, advice or confirmation.

متعهدله ارائه شود نه شخص ثالث (Koffman & Macdonald, 2014 : p.417). اگرچه این دیدگاه در نظام حقوقی کامن‌لا در حال حاضر دارای مخالفانی است لکن هنوز نیز رویه قضایی[1] و دکترین در این نظام حقوقی، به‌سوی این نظر تمایل دارند که برای معتبر بودن عوض، باید این عوض از سوی متعهدله نسبت به متعهد ارائه شود (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۰). بدین ترتیب باتوجه‌به اینکه در اعتبار اسنادی، متعهدله ذی‌نفع است و بانک متعهد به پرداخت مبلغی به اواست، ارائه عوض باید از سوی ذی‌نفع بوده و اقدام هر شخص دیگری (ولو متقاضی) به ارائه تعهدی متقابل نسبت به بانک، عوضی معتبر تلقی نمی‌شود. برخی نویسندگان نیز بر مطلب فوق‌الذکر تأکید داشته و بیان می‌دارند که در اعتبار اسنادی عوضی که در مقابل تعهد بانک به پرداخت مبلغ به ذی‌نفع بوده و آن را تکمیل کند، دیده نمی‌شود. مقصود چنان عوضی است که از دارایی ذی‌نفع خارج و به دارایی بانک وارد گردد و در اعتبار اسنادی، تنها تعهدی که نسبت به بانک وجود دارد، تعهد متقاضی به بازپرداخت مبلغ اعتبار به بانک است؛ درحالی‌که متقاضی در اعتبار اسنادی شخص ثالث شمرده می‌شود و در نظام حقوقی کامن‌لا، عوض باید از دارایی شخصی خارج شود که معوض در دارایی او وارد می‌شود (بنا نیاسری، ۱۳۹۵: ۱۲۰). بدین ترتیب، نمی‌توان تعهد متقاضی نسبت به بانک را یک عوض معتبر برای اعتبار اسنادی تلقی نمود (Mugasha, 2003 : p.31).

برای حل این ایراد، ممکن است بیان شود که اگرچه متقاضی در مقابل بانک متعهد به پرداخت مبلغی می‌گردد لکن این عوض به‌صورت غیرمستقیم از دارایی ذی‌نفع خارج شده است؛ بدین توضیح که ذی‌نفع جهت آنکه متقاضی متعهد شود که به بانک مبلغ مذکور را بپردازد، در قرارداد پایه نسبت به متقاضی متعهد به انجام تعهدات قراردادی شده است؛ لکن این استدلال از قوت برخوردار نیست زیرا در این صورت، عوض ریشه در قرارداد پایه پیدا می‌کند (بنا نیاسری، ۱۳۹۵: ۱۲۰) و هرگونه خدشه‌ای به صحت و اعتبار قرارداد پایه، موجب خدشه در اعتبار و صحت عوض در اعتبار اسنادی می‌شود و با اثبات بطلان قرارداد

*1- See: Thomas v Thomas (1842) - Tweddle v Atkinson (*1861*) - Dunlop* Pneumatic Tire Co Ltd *v Selfridge* Ltd (1915) - *Pollway Ltd v Abdullah (1974) - Collier v P & MJ Wright (Holdings) Ltd (2007) - Rock Advertising Limited v MWB Business Exchange Centers Limited (2016), Simantob v Shavleyan (2019).*

پایه، تعهد بانک نیز در مقابل ذی‌نفع به جهت غیرمعتبر بودن عوض، لازم‌الاجرا نمی‌باشد و این نتیجه‌ای است که به‌صورت واضح با اصل استقلال اعتبارات اسنادی در تعارض است که به‌موجب این اصل، اعتبار اسنادی از قرارداد پایه مستقل بوده و حتی در صورت اثبات بطلان قرارداد پایه، این امر تأثیری در تعهد بانک نسبت به ذی‌نفع اعتبار اسنادی ندارد و بانک کماکان در مقابل ذی‌نفع متعهد است (Amaefule, 2011 : p.28).

۳-۳. ارائه عوض توسط ذی‌نفع اعتبار اسنادی

استدلال سوم در خصوص نحوه ارائه عوض در اعتبارات اسنادی از دو استدلال پیشین دارای قوت بیشتری است. معتقدین به این دیدگاه بیان می‌دارند که در اعتبار اسنادی، عوض وجود داشته و این عوض را ذی‌نفع اعتبار اسنادی ارائه می‌دهد (Mugasha, 2003 : p.31). همان‌گونه که بیان شد، مبنای ایراد بر ماهیت قراردادی اعتبارات اسنادی در نظام‌های حقوقی که عوض را برای لازم‌الاجرا شدن قرارداد لازم می‌دانند، آن است که در اعتبار اسنادی علی‌رغم تعهد بانک نسبت به ذی‌نفع، ذی‌نفع هیچ تعهدی در مقابل بانک بر عهده نمی‌گیرد؛ درحالی‌که مطابق دیدگاه این دسته از طرف‌داران ماهیت قراردادی اعتبارات اسنادی، ذی‌نفع در اعتبار اسنادی تعهدی را نسبت به بانک بر عهده می‌گیرد و این تعهد به‌عنوان عوضی معتبر تلقی می‌شود (Chatterjee, 2015 : p.58).

در دعوای *Urquhart Lindsay & Co v Eastern Bank Ltd* (*1921*) دراین‌خصوص بیان شده است: «تردیدی نیست که در اعتبار اسنادی عوض از جانب ذی‌نفع (فروشنده) ارائه شده و این عوض، تعهد وی جهت اقدام مطابق مفاد اعتبار اسنادی (تحویل اسناد حمل) و تعهدات ناشی از آن است.» همچنین در دعوای *Dexeters Ltd v Schenker & CO* (*1923*) نیز این رویکرد تکرار شده است که عوض در اعتبار اسنادی توسط ذی‌نفع ارائه شده و وی مکلف است جهت دریافت وجه اعتبار اسنادی، کالاها را ارسال و اسناد منطبق بااعتبار اسنادی را تحصیل کرده و به بانک ارائه نماید (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۱).

مفهوم دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۶۴۰۱۰۸۵ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۰۷ صادره از شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران نیز بر آن است که تعهد بانک صادرکننده به پرداخت وجه اعتبار اسنادی، در تقابل با تعهد ذی‌نفع به ارائه اسناد

کامل و منطبق با اعتبار اسنادی است.[۱] لازم به ذکر است که دادنامه فوق‌الذکر و استدلال مندرج در آن مبنی بر تقابل تعهدات بانک صادرکننده و ذی‌نفع اعتبار اسنادی، در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۱۸۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۸ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورد تایید قرار گرفته است[۲].

در خصوص این دیدگاه، این نظر مطرح شده است که تعهد فروشنده (ذی‌نفع) به تولید و ارسال کالا را به دو دلیل نمی‌توان به‌عنوان یک عوض معتبر برای اعتبار اسنادی قلمداد نمود:

نخست) این تعهد فروشنده (ذی‌نفع) در مقابل تعهد بانک قرار ندارد، بلکه عوض قرارداد ذی‌نفع (فروشنده) و متقاضی (خریدار) در قرارداد پایه است و این تعهد که عوض قرارداد پایه است، نمی‌تواند در قراردادی دیگر نیز نقش عوض را ایفا نماید (Kelly & Holmes, 2005 : p.122).

دوم) حتی چنانچه پذیرفته شود که تعهد فروشنده (ذی‌نفع) به ارسال کالا عوض تعهد بانک نسبت به او تلقی می‌شود، به دلیل «عوض گذشته» بودن نمی‌توان آن را عوضی معتبر قلمداد نمود. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، یکی از شرایط برای معتبر بودن عوض، «مربوط به گذشته نبودن عوض» است بدین معنی که تعهدی که در سابق ایجاد یا انجام شده است را نمی‌توان به‌عنوان عوض یک قرارداد جدید نیز معتبر شناخت (Charman, 2013 : p.31). در این مصداق نیز، تعهد فروشنده به ارسال کالا ناشی از قرارداد پایه بوده و هم‌زمان با قرارداد پایه ایجاد شده است و قرارداد پایه بر گشایش اعتبار اسنادی تقدم زمانی دارد؛ لذا این تعهد را نمی‌توان به‌عنوان عوضی معتبر برای تعهد بانک نسبت به ذی‌نفع دانست.

در خصوص دلایل مطرح شده برای معتبر نبودن تعهد فروشنده (ذی‌نفع) به تولید و ارسال کالا به‌عنوان عوض معتبر در اعتبار اسنادی باید توجه داشت که دلایل مطرح شده ناشی از خلط دو مفهوم «تعهد به انجام مفاد قرارداد پایه و تحصیل اسناد» و «تعهد به ارائه اسناد»

۱- پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه ملی آرای قضایی؛ قابل‌دسترسی در لینک:

https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/31306

۲ - پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه ملی آرای قضایی؛ قابل‌دسترسی در لینک:

https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/31306

به بانک است؛ تعهدی که ذی‌نفع طبق قرارداد پایه در مقابل متقاضی دارد و می‌توان آن را عوض گذشته برای اعتبار اسنادی نیز تلقی نمود، «تعهد به انجام مفاد قرارداد پایه و تحصیل اسناد» است درحالی‌که «تعهد به ارائه اسناد»، تعهدی است که ذی‌نفع به‌صورت مستقیم در مقابل بانک صادرکننده داشته و عوض گذشته نیز تلقی نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر، در اعتبار اسنادی بانک صادرکننده متعهد به پرداخت وجه به ذی‌نفع در قبال دریافت اسناد منطبق بااعتبار اسنادی است و در مقابل، ذی‌نفع برای مطالبه این تعهد بانک صادرکننده، لازم است اسنادی را که با اجرای قرارداد پایه تحصیل‌کرده است، به بانک صادرکننده ارائه نماید؛ براین‌اساس به نظر می‌رسد که می‌توان «تعهد ذی‌نفع به ارائه اسناد به بانک» را به‌عنوان عوض معتبر برای اعتبار اسنادی تلقی نمود (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۱).

۴. دیدگاه مخالفان ماهیت قراردادی اعتبارات اسنادی در خصوص عوض در اعتبار اسنادی

در مقابل دیدگاه نویسندگانی که معتقد به ماهیت قراردادی اعتبار اسنادی بوده و این قرارداد را دارای عوض معتبر می‌دانند، مخالفین نظریه ماهیت قراردادی اعتبار اسنادی بر این اعتقاد هستند که در کشورهایی که وجود عوض را برای لازم‌الاجرا شدن قرارداد لازم می‌دانند، اعتبار اسنادی با مانعی تحت عنوان «نبود عوض معتبر» مواجه است و براین‌اساس نمی‌توان آن را قرارداد تلقی نمود (Chmielewska, 2005 : p.516).

نویسندگانی که دیدگاه نبود عوض معتبر در اعتبارات اسنادی را مطرح نموده‌اند، در این زمینه دو نظر را ارائه داده‌اند که نتیجه هر دو نظر، نفی ماهیت قراردادی اعتبارات اسنادی است. نظر نخست مبنی بر آن است که اساساً در اعتبار اسنادی هیچ عوضی وجود ندارد که در بند ۱-۴ به این دیدگاه پرداخته خواهد شد و دومین نظر بر آن است که در اعتبار اسنادی، حتی اگر بتوان وجود عوض را هم قائل شد، این عوض شرایط و الزامات یک عوض معتبر را ندارد که این رویکرد نیز در بند ۲-۴ مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱-۴. عدم امکان وجود عوض در اعتبارات اسنادی

در اعتبار اسنادی، تعهد بانک نسبت به ذی‌نفع در خصوص پرداخت وجه اعتبار اسنادی در صورت ارائه اسناد منطبق، تکلیفی از جانب بانک است که تردیدی در معتبر و لازم‌الاجرا بودن آن نیست؛ لکن تردیدها در خصوص عوض متقابلی است که به بانک ارائه می‌گردد.

بر اساس نظر نبود عوض در اعتبار اسنادی، باتوجه‌به ماهیت یک‌جانبه تعهد بانک در مقابل متقاضی در اعتبارات اسنادی، هیچ عوضی که در مقابل تعهد بانک قرار بگیرد، وجود نداشته و تعهد متقاضی نسبت به بانک مبنی بر پرداخت وجه اعتبار اسنادی (مبتنی بر قرارداد گشایش اعتبار اسنادی) و همچنین تعهد ذی‌نفع به ارائه اسناد منطبق به بانک جهت دریافت مبلغ اعتبار اسنادی عوض اعتبار اسنادی تلقی نمی‌شود (Chmielewska, 2005 : p.516). براین‌اساس، یک‌جانبه بودن تعهد بانک به ذی‌نفع، مانع از آن است که هیچ عوضی در قبال تعهد بانک به ذی‌نفع، وجود داشته باشد.

۲-۴. معتبر نبودن عوض موجود در اعتبار اسنادی

دسته‌ای از نویسندگان این دیدگاه را مطرح می‌کنند که حتی اگر بتوان قائل به وجود عوضی در اعتبار اسنادی شد، این عوض معتبر نیست. از دیدگاه این نویسندگان، عوض در اعتبار اسنادی ممکن است همان تعهد متقاضی به بازپرداخت مبلغ به بانک باشد یا تعهد ذی‌نفع به انجام تعهد قرارداد پایه و ارائه اسناد منطبق بااعتبار اسنادی به بانک که در هر یک از دو صورت، این عوض معتبر نیست (Mugasha, 2003 : p.31).

مطابق دیدگاه مذکور، درصورتی‌که تعهد متقاضی به بازپرداخت مبلغ اعتبار به بانک، تعهد متقابل نسبت به متعهد اعتبار اسنادی (بانک) تلقی شود، این مورد را نمی‌توان یک عوض معتبر تلقی کرد، زیرا همان‌گونه که بیان شد در نظام حقوقی کامن‌لا، عوض باید از جانب متعهدله (ذی‌نفع) ارائه شود نه متقاضی، به‌عبارت‌دیگر عوض باید از دارایی شخصی خارج شود که معوض وارد دارایی او می‌شود (بنا نیاسری، ۱۳۹۵: ۱۲۰). براین‌اساس، چهارمین شرط برای معتبر بودن عوض (از جانب متعهدله بودن عوض) در خصوص این عوض موجود نبوده و لذا عوض مذکور یک عوض معتبر محسوب نمی‌گردد (Palmer, 2006 : p.27).

همچنین بر اساس دیدگاه ارائه شده توسط این نویسندگان، در صورتی که تعهد ذی‌نفع به انجام تعهد (تولید کالا و ارسال آن) و ارائه اسناد منطبق به بانک جهت دریافت وجه اعتبار اسنادی، تعهد متقابل وی به بانک تلقی شود، با توجه به اینکه این تعهد او ریشه در قرارداد پایه دارد و به عبارت دیگر عوضی است که او در قرارداد پایه ارائه در مقابل فروشنده (متقاضی) ارائه داده است، این تعهد از حیث زمانی پیش از تعهد بانک در مقابل او ایجاد شده و یک عوض گذشته است و معتبر نیست، زیرا همان‌گونه که بیان شد یکی از شروط برای معتبر تلقی شدن عوض، مربوط به گذشته نبودن آن است (Taylor & Taylor, 2017 : p.76)؛ لذا چنین عوضی به علت ایجاد آن قبل از تعهد بانک در مقابل ذی‌نفع،

نمی‌تواند به عنوان عوضی معتبر تلقی شود. در این خصوص، پیش‌تر به تفصیل بیان شد که این دیدگاه ناشی از خلط دو مفهوم «تعهد به انجام مفاد قرارداد پایه و تحصیل اسناد» و «تعهد به ارائه اسناد» است که مورد نخست، تعهد ذی‌نفع در مقابل متقاضی (به عنوان عوض در قرارداد پایه) و مورد دوم تعهد ذی‌نفع در مقابل بانک صادرکننده (به عنوان عوض در اعتبار اسنادی) است.

نتیجه‌گیری

بررسی بودن یا نبودن «عوض» در اعتبارات اسنادی از جمله موضوعات کلیدی پیرامون این ابزار پرداخت و محل بحث و تضارب آرای متعددی است که در تقابل با «تعهد بانک به پرداخت وجه اعتبار اسنادی به ذی‌نفع» چه تعهدی به‌عنوان عوضی معتبر توسط چه شخصی (ذی‌نفع یا متقاضی) ارائه می‌شود. در نظام حقوقی ایران، موضوع «عوض» از مباحث اساسی مرتبط با حقوق قراردادهاست و وجود آن سبب جریان احکام خاصی همانند حق حبس، وجود ضمان معاوضی، تقابل عوضین و... می‌شود و در نظام حقوقی انگلستان (به‌عنوان کشوری پیشرو در حقوق اعتبارات اسنادی که قانون آن بر بسیاری از اعتبارات اسنادی بین‌المللی حاکم است) وجود عوض برای لازم‌الاجرا شدن قرارداد ضرورت دارد. در این مقاله بررسی شد که در اعتبارات اسنادی به‌عنوان قسم خاصی از قراردادها، برخی بر این عقیده هستند که اساساً نظریه عوض، نظریه‌ای منقضی و منسوخ در حقوق قراردادها بوده و وجود عوض برای لازم‌الاجرا شدن هیچ قراردادی (از جمله اعتبارات اسنادی) ضرورتی ندارد؛ این دیدگاه اگرچه از مبنا و اساسی منطقی و متکی بر ملاحظات عملی برخوردار بوده و همچنین مشابه دیدگاه حقوق ایران در خصوص عدم لزوم وجود عوض برای لازم‌الاجرا شدن قرارداد است؛ لکن در نظام حقوقی کامن‌لا با اقبال قابل‌توجهی مواجه نشده است و کماکان بخش عظیمی از ادبیات حقوق قراردادها در نظام حقوقی انگلستان به موضوع عوض و ضروری بودن آن برای لازم‌الاجرا شدن قرارداد اختصاص دارد. برخی بر این عقیده هستند که در اعتبار اسنادی عوض وجود دارد و این عوض از جانب متقاضی (نه ذی‌نفع) ارائه می‌شود و تعهد متقاضی در «بازپرداخت وجه اعتبار اسنادی به بانک صادرکننده» عوض تعهد بانک صادرکننده به پرداخت وجه اعتبار اسنادی به ذی‌نفع است. این دیدگاه نیز باتوجه‌به اینکه یکی از شرایط معتبر بودن عوض در حقوق انگلستان «از جانب متعهدله بودن عوض» است، قابل‌پذیرش نمی‌باشد، زیرا متعهدله اعتبار اسنادی ذی‌نفع است نه متقاضی؛ لذا عوض ارائه شده توسط متقاضی عوضی معتبر برای اعتبار اسنادی تلقی نمی‌شود و در نهایت نظری که از دو نظریه دیگر قوت بیشتری دارد براین‌اساس استوار است که در اعتبار اسنادی عوض وجود دارد و این عوض توسط ذی‌نفع ارائه می‌شود که همان «تعهد ذی‌نفع به ارائه اسناد به بانک» است که

واجد تمامی شرایط لازم برای معتبر بودن عوض است (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۱). به نظر می‌رسد که دیدگاه سوم با قواعد عام حاکم بر عوض در حقوق قراردادهای کشور انگلستان انطباق بیشتری دارد و در نظام حقوقی ایران نیز در معوض تلقی نمودن اعتبار اسنادی به‌عنوان یک قرارداد، قابل‌اتکا و استناد است.

باتوجه‌به موارد فوق‌الذکر، وجود عوض معتبر در اعتبار اسنادی، سبب می‌شود که یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفان ماهیت قراردادی اعتبار اسنادی از میان برداشته شده و آثار قراردادهای معوض بر اعتبار اسنادی بار شود که این آثار در دعاوی و اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی، مورداستفاده مراجع رسیدگی (دادگاه یا داوری) بوده و آثار حقوقی متعدد و قابل‌توجهی خواهد داشت. در کشور ایران، در خصوص وجود عوض در اعتبارات اسنادی رویه قضایی مشخصی وجود ندارد؛ لکن در برخی آرا همانند دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۶۴۰۱۰۸۵ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۰۷ صادره از شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران[1] که در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۱۸۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۸ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران[2] عیناً تایید شده است، «تعهد ذی‌نفع به ارائه اسناد منطبق به بانک صادرکننده» در مقابل «تعهد بانک صادرکننده به پرداخت وجه اعتبار اسنادی به ذی‌نفع» قرار گرفته و مبتنی بر آن، دادگاه اقدام به تعیین حقوق و تعهدات متقابل طرفین نموده است.

۱- پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه ملی آرای قضایی؛ قابل‌دسترسی در لینک:

https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/31306

۲- پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه ملی آرای قضایی؛ قابل‌دسترسی در لینک:

https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/31306

فهرست منابع

۱. بنا نیاسری، ماشاءالله (۱۳۹۵). حقوق اعتبارات اسنادی (تجاری و تضمینی). ج ۲، تهران: انتشارات شهر دانش.

۲. جنیدی، لعیا و رسول بهرام‌پوری (۱۴۰۰). حقوق حاکم بر روابط موجود در اعتبارات اسنادی بین‌المللی. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۵۱ (۲): ۲۱۹-۲۳۷.

۳. جنیدی، لعیا و سپیده راضی (۱۴۰۳). کارکرد حقوق تطبیقی در حقوق خصوصی با مطالعه موردی وجه التزام. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۷ (۲۳): ۶۳-۹۰.

۴. شهیدی، مهدی (۱۳۹۸). تشکیل قراردادها و تعهدات. تهران: انتشارات مجد.

۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). قواعد عمومی قراردادها. ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۶. مافی، همایون و محمد عطائی (۱۴۰۳). چگونگی تعیین قانون حاکم بر قراردادهای اعتبارات اسنادی مطابق مقرره رم یک ۲۰۰۸ و قانون تجارت متحدالشکل آمریکا مصوب ۱۹۹۵ با تأکید بر حقوق ایران. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۹ (۱۰۶): ۱۳۵-۱۵۸.

۷. مافی، همایون و همکاران (۱۴۰۱). تحلیل حقوقی ماهیت اعتبارات اسنادی. دانشنامه حقوقی اقتصادی، ۲۹ (۲۱): ۷۵-۱۰۵.

۸. محسنی، حسن و سمیه اللهی (۱۴۰۳). نگاهی تطبیقی به دادرسان دادگاه بازرگانی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۷ (۲۵): ۱۱۰-۱۵۱.

References

1. Amaefule, Ch. (2011). *The exception to the principle of autonomy of documentary credits*. University of Birmingham.
2. Bana Niasari, M. (2016). *Law of documentary credits (Commercial and standby)* (Vol. 2). Shahre Danesh Publications. (in Persian)
3. Beale, H. G., & Bishop, W. (2007). *Contract law*. OUP Oxford.
4. Chandler, A. (2015). *Law of contract*. Oxford University Press.
5. Charman, M. (2013). *Contract law*. Routledge.
6. Chatterjee, C. (2015). *Legal aspects of trade finance*. Routledge.
7. Chloros, A. G. (1968). The doctrine of consideration and the reform of the law of contract: A comparative analysis. *The International and Comparative Law Quarterly*, *17*(1).
8. Chmielewska, M. K. (2005). Documentary letter of credit: A pivotal case for the inefficiency of the law of contract. *Revue gė nė rale de droit*, *35*(4).

9. Dawson, F. (2011). Contract as assumption and consideration theory. *VUWLR*.
10. Fried, C. (2015). *Contract as promise: A theory of contractual obligation*. Oxford University Press.
11. Giancaspro, M. A. (2014). *Old rules, practical benefit and a new approach to contractual variation*. University of Adelaide.
12. Hallebeek, J., & Dondorp, H. (2008). *Contracts for a third-party beneficiary: A historical and comparative account*. Martinus Nijhoff Publishers.
13. Joneydi, L., & Bahrampoori, R. (2021). Applicable law to relationships in international letters of credit. *Private Law Studies Quarterly*, *51*(2), 219-237. (in Persian)
14. Joneydi, L., & Razi, S. (2024). The function of comparative law in private law through a case study of liquidated damages. *The Journal of Research and Development in Comparative Law*, *7*(23), 63-90. (in Persian)
15. Katouzian, N. (2012). *General rules of contracts* (Vol. 2). Sahami Enteshar Company. (in Persian)
16. Kelly, D., & Holmes, A. (2005). *Business law*. Routledge.
17. Koffman, L., & Macdonald, E. (2014). *Koffman & Macdonald s law of contract*. Oxford University Press.
18. Kuhnel-Fitchen, K., & Hough, T. (2014). *Optimize contract law*. Routledge.
19. Mafi, H., & Ataei, M. (2024). The manner of determining the law governing the letters of credit contracts according to the Rome 1 Regulation 2008 and The Uniform Commercial Code (UCC) 1995 with emphasis on Iran's law. *Quarterly Journal of Judicial Law Views*, *29*(126), 135-158. (in Persian)
20. Mafi, H., Bahrampoor, R., & Ramshi, M. (2022). Legal analysis of the nature of letters of credit. *Encyclopedia of Economic Law Journal*, *29*(21), 85-116. (in Persian)
21. McKendrick, E. (2015). *Contract law*. Macmillan International Higher Education.
22. Mohseni, H., & Elahi, S. (2025). A comparative look at judges of the commercial court commercial court judges: A comparative perspective. *The Journal of Research and Development in Comparative Law*, *7*(25), 110-151. (in Persian)
23. Mugasha, A. (2003). *The law of letters of credit and bank guarantees*. The Federation Press Sydney.
24. Palmer, V. (2006). *The paths to privity: The history of the third-party beneficiary contracts at English law*. The Lawbook Exchange.
25. Russell, C. A. (2012). *Opinion writing in contract law*. Routledge.
26. Shahidi, M. (2019). *Formation of contracts and obligations*. Majd Publications. (in Persian)

27. Stone, R., & Devenney, J. (2017). *The modern law of contract*. Taylor & Francis.
28. Story, W. W. (2006). *A treatise on the law of contracts*. The Lawbook Exchange.
29. Taylor, D., & Taylor, R. (2017). *Contract law directions*. Oxford University Press.
30. Turner, C. (2013). *Unlocking contract law*. Routledge.
31. Valente, D. (2010). *Consideration and intention in the law of contract*. University of Otago.
32. Wishart, M. (2018). *Contract law*. Oxford University Press.